

۹۵/۲/۱۱

• دریافت

۹۵/۹/۳

• تأیید

نقد و بررسی کتاب البلاغة والتطبيق

سید محمدرضا ابن الرسول*

مرضیه قربان خانی**

چکیده

کتاب البلاغة والتطبيق اثری است با محوریت بلاغت عربی. تألیف آن تلاشی است برای آشنا سازی دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی با اصول و قواعد کلاسیک بلاغت نزد عرب. نویسندگان این کتاب تنها بررسی اصول بلاغت عربی را، که همواره در کتاب‌های بلاغی بدان اشاره شده، کافی ندانسته‌اند و سعی بر آن دارند که با رویکردی تحلیلی - تطبیقی، علاوه بر بررسی مجدد اصول بلاغت و گاه تلاش برای بازنگری در آن، شیوه صحیح تطبیق این اصول را بر متون نظم و نثر به دانشجویان آموزش دهند و، بدین منظور، پس از ارائه مطالب سنتی بلاغت عربی و بازآموزی آن، با آوردن نمونه‌هایی از شعر و نثر عربی با عنوان تطبیقات، یادگیری این اصول را توسط دانشجویان محک بزنند. این مقاله تلاش دارد، با بررسی دقیق این اثر و با رویکردی بی‌طرفانه و رعایت اصول منطقی نقد علمی، میزان پابندی نویسندگان این اثر را به معیارهای علمی نگارش کتاب و استفاده از ابزارهای آن برای تحقق اهداف آموزشی بررسی و ارزیابی و میزان برخورداری این کتاب را از ویژگی‌های یک اثر فنی و تخصصی مشخص کند.

واژگان کلیدی:

بلاغت عربی، أحمد مطلوب، کامل حسن البصیر، البلاغة والتطبيق.

ibnorrasool@fhn.ui.ac.ir

* استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان.

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان.

مقدمه

یکی از دانش‌های زبان عربی بلاغت است. پیدایش این علم بیشتر به علت بررسی زیبایی‌شناسی آیات قرآن بوده و، به همین روی، بلاغت‌پژوهان از گذشته تاکنون به این دانش توجهی ویژه نشان داده و همواره سعی در تصحیح و تکمیل آن داشته‌اند. از اولین کسانی که در کتاب‌های خود به موضوعات این علم توجه کرده‌اند، می‌توان به جاحظ (۱۵۰ - ۲۵۵هـ)، از بنیان‌گذاران این علم، در کتاب *البيان والتبيين* و قدامة بن جعفر (۲۶۰ - ۳۲۷هـ) در *نقد الشعر* اشاره کرد. با وجود این، هنوز بسیاری از محققان عبدالقاهر جرجانی (ت ۴۷۱هـ) را یکی از سرشناس‌ترین پایه‌گذاران این علم به‌شمار می‌آورند؛ چه تلاش‌های پیشینیان فقط در کتاب‌های بلاغی او بود که به اوج خود رسید و به ثمر نشست. پس از عبدالقاهر، بلاغت‌پژوهان دیگری با ادامه دادن تحقیقات در این علم، روزبه‌روز دایره اصطلاحات آن را گسترش دادند و به تکمیل آن پرداختند. بیش از همه باید به ابو یعقوب سکاکی اشاره کرد که در بررسی علوم بلاغت روشی متفاوت از جرجانی اتخاذ کرد؛ چه جرجانی همه علوم بلاغت را به منزله یک علم می‌داند که مباحث مختلفی دارد و در کتاب *دلایل الإعجاز* نیز علم معانی را همان نظم کلام می‌داند، همچنین، مباحثی مانند مجاز و استعاره و کنایه و ... را، که امروزه با عنوان بیان شناخته می‌شود، در اثنای توضیح نظریه نظم برمی‌شمرد و توضیح می‌دهد (ضیف، ۱۹۶۵: ۱۶۰ - ۱۶۱)، اما سکاکی مباحث بلاغت را به دو علم معانی و بیان تقسیم می‌کند و مباحث بدیع را تنمّه این دو علم می‌داند، نه علمی مستقل (همان: ۲۸۱).

نویسنده دریافت که بهتر است با استفاده از اصول دانش منطق در مباحث علم معانی و تقسیمات آن بازنگری شود و، بدین ترتیب، با تلخیص آراء پراکنده دیگر بلاغت‌پژوهان در کتاب‌های بلاغی، به‌ویژه کشف از زمخشری و دلایل الإعجاز و أسرار البلاغة از جرجانی و افزودن افکار تازه‌ای بر آن، مجموعه‌ای دقیق و آموزشی از

مباحث این علم را فراهم آورد که ردپای علم منطق در تقسیم‌ها و تعاریف آن کاملاً مشهود است. می‌توان گفت بلاغت در کتاب مفتاح‌العلوم به معنی دقیق کلمه تبدیل به علم شد و قواعد آن براساس اصول منطقی نظم گرفت (همان: ۲۸۷-۲۸۸). در زمان معاصر نیز محققان با رویکرد جدیدی سعی کرده‌اند بلاغت قدیم را با دستاوردهای ادبیات معاصر در حوزه‌های مختلف تطبیق دهند و به نتایج جدیدتری دست یابند. یکی از این کتاب‌ها البلاغة والتطبيق اثر مشترک أحمد مطلوب و کامل حسن البصیر است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و ارزیابی این اثر پرداخته است و قصد دارد ویژگی‌های فنی آن را در سه سطح صوری و ساختاری و محتوایی با طرح پرسش‌های ذیل و پاسخ به آنها تبیین کند:

- کیفیت شکلی و چایی اثر چگونه ارزیابی می‌شود؟
- میزان رعایت قواعد عمومی ویرایش و نگارش در چه سطحی است؟
- اثر حاضر از لحاظ صوری از چه جامعیتی برخوردار است؟
- کیفیت و میزان بهره‌گیری از ابزارهای لازم علمی (طرح بحث مقدماتی، نتیجه و جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، جدول، تصویر، نمودار و نقشه) برای تفهیم موضوع در چه سطحی است؟
- کیفیت و میزان کاربرد و معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی در این اثر (با توجه به روان و رسا بودن نزد مخاطب تخصصی آن) چگونه ارزیابی می‌شود؟
- میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن در چه حد است؟
- میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر از لحاظ ارجاع به منابع جدید و یا مواردی از این دست در چه سطحی است؟
- آیا نمونه‌هایی از نوآوری در این اثر وجود دارد؟ (اعم از طرح نظریه علمی جدید، ارائه ساختار علمی نو، به‌کارگیری ادبیات علمی روزآمد، طرح یک افق نو و خلاقیت ویژه و ...)

- نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر و نیز در درون هر فصل چگونه است؟
- نحوه بررسی و نقدها در این اثر و میزان رعایت بی طرفی علمی نویسنده در تحلیل‌ها چگونه است؟
- میزان سازواری محتوای علمی و پژوهشی اثر با مبانی و پیش فرض‌های مورد قبول اثر، به‌ویژه سازواری محتوای علمی اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی، چگونه ارزیابی می‌شود؟

۱. معرفی کلی کتاب البلاغة والتطبيق و مؤلفان آن

معرفی کتاب اولین گام در بررسی محتوای آن را تشکیل می‌دهد. بدین منظور، نویسندگان این نوشتار نخست با معرفی اجمالی کتاب خوانندگان را با فضای کل آن آشنا می‌کنند، سپس، به بررسی آن می‌پردازند. در این بخش ابتدا برای آشنایی بیشتر خوانندگان با مؤلفان کتاب مختصری از زندگی و دیگر آثار علمی ایشان ارائه و سایر موضوعات این بخش، از قبیل کتاب‌شناسی، موضوع کتاب، معرفی بخش‌های آن، روش کار نویسندگان و جایگاه کتاب در مجامع علمی بررسی خواهد شد. علاوه بر معرفی شناسنامه‌ای و شکلی، ویژگی‌ها و محورهای اصلی و مهم اثر و نیز موقعیت و رویکرد مؤلفان معرفی خواهد شد تا خواننده ذهنیتی روشن به این اثر داشته باشد.

۱-۱. مؤلفان

کتاب البلاغة والتطبيق یکی از تألیفات دکتر أحمد مطلوب است و، علاوه بر ایشان، دکتر کامل حسن البصیر نیز در نگارش کتاب سهیم بوده است. در این بخش پس از اشاره‌ای گذرا به زندگی‌نامه این دو نویسنده، به معرفی آثار و تألیفات ایشان در زمینه‌های مختلف می‌پردازیم:

۱-۱-۱. أحمد مطلوب

أحمد مطلوب، در ۱۹۳۶، در شهر تکریت عراق به دنیا آمد. تحصیلات قبل از دانشگاه خود را در شهرهای مختلف عراق مانند تکریت، کربلا و بغداد به اتمام رساند و در سال ۱۹۵۶ در رشته زبان عربی با کسب رتبه اول از دانشگاه بغداد فارغ التحصیل شد. پنج سال پس از آن در ۱۹۶۱ مدرک کارشناسی ارشد خود را در گرایش بلاغت و نقد با رتبه بسیار عالی از دانشگاه قاهره گرفت، سرانجام، در سال ۱۹۶۳، در همان دانشگاه و همان گرایش، تحصیلات مقطع دکترای خود را با رتبه ممتاز به پایان رساند.

او از سال ۲۰۰۷ تا به امروز در سمت رئیس مجمع علمی عراق، که معتبرترین هیئت علمی در عراق به شمار می‌رود، و نیز به عنوان یکی از اعضای مجمع اردنی زبان عربی و همچنین مجمع علمی اردنی مشغول به فعالیت علمی است. از سال ۱۹۵۸ در دانشگاه بغداد به تدریس مشغول بود و به تدریج به درجه استادی در همان دانشگاه نائل آمد. پیش از آن نیز با سمت‌های مختلف، مانند وزیر فرهنگ و ارشاد جمهوری عراق، مدرس دانشگاه‌ها و مؤسسات زبان‌آموزی مختلف، از جمله دانشگاه کویت، آلمان، الجزائر و مؤسسه تحقیقات عربی قاهره، و... فعالیت کرده است.

مطلوب مجموعاً ۳۷ کتاب تألیفی در زمینه‌های مختلف، از جمله بلاغت و نقد ادبی و ۱۵ کتاب تحقیقی در زمینه شعر و بلاغت قرآن کریم به رشته تحریر درآورده است و تاکنون بیش از ۶۰ مقاله علمی از او در زمینه‌های بلاغت، نقد، زبان، تعریب علوم و مصطلحات علمی، علوم قرآن و حدیث و تفسیر در مجله‌های مختلف به چاپ رسیده است که به شماری از آنها اشاره می‌شود:

۱-۱-۲. کتاب‌ها

۱. فنون بلاغیة؛ البیان - البدیع، (۱۹۷۵م)، کویت: دار البحوث العلمیة.

٢. بحوث بلاغية، (١٩٩٦م)، بغداد: مطبوعات المجمع العلمي.
٣. بحوث لغوية، (١٩٨٧م)، عمان: دارالفكر.
٤. معجم المصطلحات البلاغية وتطورها، (١٩٨١م)، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون.
٥. القزويني وشرح التلخيص، (١٩٦٧م)، بغداد: منشورات مكتبة النهضة.
٦. معجم مصطلحات النقد العربي القديم، (٢٠٠١م)، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون.
٧. معجم الملابس في لسان العرب، (١٩٩٥م)، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون.

١-٣-١. مقالات

١. التُّخْت في اللغة العربية، (٢٠٠١م)، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد ٤٨، الجزء الثاني.
٢. الدرس البلاغي في بغداد، (١٩٩٧م)، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد ٤٤، الجزء الثاني.
٣. الأسلوبية إلى أين؟، (١٩٨٨م)، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد ٣٩، الجزء الثالث.
٤. منهج السكاكي في البلاغة، (١٩٦٢م)، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد ١٠.
٥. النقد البلاغي، (١٩٨٧م)، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد ٣٨، الجزء الثاني والثالث.
٦. آفاق النقد الأدبي العربي في القرن الحادي عشر، (٢٠٠٠م)، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد ٤٧، الجزء الثاني.
٧. تيسير البلاغة، (١٩٩٧م)، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد ٤٤، الجزء الرابع.
٨. إشكالية المصطلح النقدي المعاصر، (١٩٩٨م)، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد ٤٥، الجزء الثاني.

پیش تر گفته شد که این نویسنده در زمینه‌های مختلف تألیفات بسیاری دارد. این

فهرست، برای جلوگیری از اطاله کلام، تنها بخشی از این تألیفات را در برگرفته است و آشنایی با سایر تألیفات وی را بر عهده خوانندگان محترم می‌گذارد. آنچه از مجموع این آثار برمی‌آید، این است که أحمد مطلوب در زمینه زبان عربی مشغول به پژوهش و آموزش بوده و سعی کرده است در عرصه‌های مختلف زبان عربی از جمله بلاغت، فرهنگ لغت، نقد، ادبیات و ... منشأ تحول باشد.

۱-۱-۴. کامل حسن البصیر

کامل حسن البصیر در ۱۹۳۳ در خانواده‌ای کُرد در بغداد به دنیا آمد و در سنین طفولیت، بر اثر بیماری آبله بینایی خویش را از دست داد. بصیر تحصیلات خود را پیش از ورود به دانشگاه در ۱۹۵۳ با رتبه اول به پایان برد. تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را به ترتیب در ۱۹۵۷ و ۱۹۶۶ در دانشگاه بغداد به اتمام رساند. موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد او تحقیق رسائل الإمام علی (ع)؛ دراسة أدبیة بود. او در ۱۹۷۵ موفق به کسب درجه دکترا در زبان عربی از دانشگاه قاهره شد و مدت زمانی به تدریس در دبیرستان‌های عراق پرداخت، سپس، به تدریس ماده نقد و بلاغت در دانشگاه مشغول شد. از دیگر مناصبی که وی در آن مشغول به کار بوده است، می‌توان به ریاست گروه زبان کردی، ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه سلیمانیه و عضویت در مجلس المجمع العلمي العراقي اشاره کرد. وی در نهایت در ۱۹۸۷ در سن ۵۴ سالگی دیده از جهان فرو بست. لقب طه حسین عراق لقبی است که دوستداران این شخص بر او اطلاق کرده‌اند.

بصیر از کسانی است که به شدت از مواضع فکری و فرهنگی کردهای عراق دفاع کرده و تألیفاتی نیز در این زمینه از او به جای مانده است. آثار بسیاری از وی در موضوعات مختلف در دست است که تعداد آن را حدود ۴۰ اثر به زبان‌های کردی و عربی بر شمرده‌اند و از جمله مهم‌ترین آثار او به زبان عربی می‌توان به این تألیفات اشاره کرد:

۱-۱-۵. کتابها

۱. من قضايا المرأة بين آيات قرآنية وأتجاهات شعرية، (۱۴۰۱هـ)، بغداد: مطبعة المجمع العلمي.

۱-۱-۶. مقالات

۱. «القرآن الكريم ونظرية الأدب بين الإغريق والعرب»، (۱۴۰۳هـ)، مجلة المجمع العلمي العراقي، العدد ۴۶، ص ۵۸-۱۱۶.
۲. «الدعوة إلى الإلتزام في شعرنا المعاصر بين آراء أفلاطون ومقاييس قرآنية»، (۱۹۷۷م)، مجلة زانكو، المجلد ۳، العدد ۱، ص ۴۹-۷۷.
۳. «المنهج القرآني وصياغة المصطلحات»، (۱۹۸۰م)، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد (۳۱)، الجزء الأول، ص ۴۴-۵۹.
۴. «القرآن الكريم ومنهج البحث العلمي في التراث العربي»، (۱۹۸۲م)، مجلة المجمع العلمي العراقي، المجلد ۳۳، الجزء ۴.
۵. «منهجية الأدب المقارن بين النقد الإغريقي والتراث العربي»، (۱۹۸۵م)، مجلة المجمع العلمي العراقي.

۱-۲. کتاب شناسی

این کتاب - چنان که گفته شد - اثر دکتر أحمد مطلوب و دکتر کامل حسن البصیر است. کتاب حاضر به سال ۱۹۸۱ برای اولین بار به چاپ رسیده و، سپس، در سال ۱۹۹۹ از سوی وزارت التعليم العالي والبحث العلمي کشور عراق تجدید چاپ شده است. کتاب البلاغة والتطبيق ۵۰۸ صفحه است که در یک جلد و در قطع وزیری به چاپ رسیده است. در بررسی شکلی، کیفیت ظاهری و چایی اثر از لحاظ حروف نگاری و نوع و اندازه حروف ضعیف ارزیابی می شود و، به هیچ روی، مناسب یک متن درسی نیست، اما صفحه آرای، صحافی و طرح روی جلد نسبتاً خوب است. رعایت قواعد

عمومی ویرایش و نگارش در این اثر مناسب است. به طوری که خواننده در آن با مشکلی روبه‌رو نمی‌شود. البته ارزیابی دقیق و علمی این مقوله نیاز به یک شیوه‌نامه جامع و معتبر درباره قواعد ویرایش و نگارش دارد که مختص زبان عربی باشد و از طرف فرهنگستان‌های زبان عربی مصوب شده باشد، چنان که در مورد قواعد ویرایش و نگارش زبان فارسی موجود است. هم اکنون چنین شیوه‌نامه‌ای در دسترس نیست.

۳-۱. موضوع کتاب

موضوع این کتاب - چنان که از عنوان پیداست - بلاغت عربی و تطبیق مباحث آن بر شعر و نثر عربی است که برای آموزش به دانشجویان زبان عربی تألیف شده است. نویسندگان می‌کوشند ضمن ارائه یک تقسیم‌بندی نسبتاً جدید از مباحث بلاغت قدیم، با آوردن نمونه‌هایی از شعر و نثر عربی برای تطبیق زمینه را برای بازنگری در مباحث بلاغت قدیم فراهم کنند و با تطبیق این مباحث بر تمرین‌ها موجبات آماده‌سازی هر چه بیشتر دانشجویان را برای نقد بلاغی آثار عربی فراهم سازند.

۴-۱. جامعیت صوری کتاب

جامعیت صوری کتاب البلاغة والتطبيق در جدول‌های زیر بیان می‌شود:

| پیشگفتار | بیان هدف اثر | | مقدمه | | فهرست مطالب | | جدول و تصویر و نمودار و نقشه | | | |
|----------|--------------|------|-------|--------|-------------|--------|------------------------------|-------|--------|-------|
| | شرح | صفتی | کلی | فصل‌ها | آجالی | تفصیلی | جدول | تصویر | نمودار | نقشه |
| ندارد | * | * | * | | | * | ندارد | ندارد | ندارد | ندارد |

| تمرین و آزمون | خلاصه | | نتیجه و جمع‌بندی | | | فهرست | | کتابشناسی |
|---------------|--------|-------|------------------|-------|--------|-------|---|-----------|
| | فصل‌ها | کلی | فصل‌ها | اعلام | موضوعی | منابع | | |
| * | ندارد | ندارد | ندارد | ندارد | ندارد | ندارد | * | ندارد |

همان‌گونه که جدول‌های فوق‌گویای آن است، اثر حاضر از جامعیت صوری ضعیفی برخوردار است؛ چه فاقد بیشتر بخش‌ها مانند جدول و تصویر و نمودار و نقشه، خلاصه، نتیجه و جمع‌بندی، فهرست‌های اعلام و موضوعی، و کتاب‌شناسی است.

۱-۵. برخی ایرادهای نگارشی، ویرایشی، چاپی

در بررسی کلی کتاب برخی ایرادهای نگارشی، ویرایشی و چاپی به چشم می‌خورد، مانند تفاوت نگذاشتن بین همزه قطع و وصل، نگارش نادرست همزه مفتوح و مکسور و ... که به نمونه‌هایی اشاره خواهیم کرد؛ هرچند باید گفت که تعداد این ایرادها در مقایسه با حجم کتاب قابل قبول است و جز در برخی موارد به فهم و خوانش صحیح مطلب خدشه‌ای وارد نمی‌کند:

- «إِنَّ الإِسْنَادَ الإِنْشَائِيَّ أَيْضاً أَمَّا مُؤَكَّدٌ أَوْ مُجَرَّدٌ عَنِ التَّأَكِيدِ ... وَالمَتَعَلِّقَاتُ أَمَّا مُتَقَدِّمَةٌ أَوْ مُتَأَخَّرَةٌ» (مطلوب و بصیر، ۲۰۱۱: ۹۸)؛ صحیح: إِمَّا.

- «وقد رفض تعريف السكاكي» (همان: ۹۹)؛ صحیح: تعريف السكاكي.

- «... والعموم والخصوص والإطلاق والنقييد...» (همان: ۱۰۱)؛ صحیح: التقييد.

- «يُنسَبُ إِلَيَّ أَبِي إِسْحَاقَ إِبرَاهِيمَ بْنِ سَيَّارٍ المَعْرُوفِ بِالنِّظَامِ» (همان: ۱۰۲)؛ صحیح: إِبرَاهِيمَ بْنِ يَسَّارٍ.

- «هُوَ صِيغَةُ تَسْتَدْعِي الفِعْلِ أَوْ قَوْلِ بِنَيْبِيءَ عَنِ اسْتِدْعَاءِ الفِعْلِ ...» (همان: ۱۲۳)؛ صحیح: بِنَيْبِيءَ.

- «يَا نَسِيمَ الصَّبَا بَلِّغْ تَحِيَّتَنَا» (همان: ۱۲۵)؛ صحیح: وَيَا نَسِيمَ الصَّبَا بَلِّغْ تَحِيَّتَنَا.

- «المشهوره: كقوله تعالى...» (همان: ۱۲۸)؛ صحیح: المشورة.

- «... قصر الأفراد...» (همان: ۱۷۵)؛ صحیح: الإفراد.

- «قال أن: ...» (همان: ۲۱۸)؛ صحیح: قال إن.

- در باب إطناب، واژه الإطناب در همه جا (الأطناب) آورده شده است.

- «... احوالی...» (همان: ۲۱۹)؛ صحیح: احوالی.
 - «... کالذی بین الإمام والخلف...» (همان: ۲۵۰)؛ صحیح: الأمام.
 - در فهرست کتاب و متن اصلی در باب چهارم پس از «فصل سوم»، به جای (فصل چهارم) عبارت (فصل پنجم) آمده است، در حالی که کل این باب چهار فصل است.

۱-۶. محتوای کتاب

اثر حاضر از پنج بخش تشکیل یافته است:

۱-۶-۱. مقدمه

نویسندگان در این بخش با اشاره به جمود علم بلاغت در زمان قدیم و انحصار آن در شرح‌های تلخیص، به ضرورت تجدیدنظر در این علم و سازگار کردن آن با ادبیات جدید اشاره می‌کنند، اما تلاش‌های معاصران را در این زمینه کافی نمی‌دانند؛ بنابراین، در این کتاب سعی بر آن شده که با گرفتن اصول علم بلاغت از قدیم و آمیختن آن با تطبیقات جدید، علاوه بر آشنا ساختن دانش‌پژوهان علوم بلاغت با میراث گذشتگان، افق‌های جدیدی پیش روی آنان قرار گیرد.

۱-۶-۲. باب اول

نویسندگان این باب را به مباحث تاریخی اختصاص داده‌اند و با ذکر تاریخچه مختصر این علم از روند شکل‌گیری و گسترش آن سخن می‌گویند. این باب خود در برگیرنده دو فصل است که هر فصل از دو مبحث تشکیل می‌شود: فصل اول «التاریخ»: مبحث اول «النشأة والمؤثرات» و مبحث دوم «المدارس البلاغیة»، فصل دوم «الفصاحة والبلاغة»: مبحث اول «الفصاحة» و مبحث دوم «البلاغة».

نویسندگان در مباحث فصل اول ریشه‌های علم بلاغت را در احکام صادر شده و به‌جا مانده از سخن‌سنجان عرب در نقد شعر می‌دانند و به دو دلیل معتقدند که عرب

پیش از اسلام با این احکام آشنایی داشته است. یکی دلیل نقلی، یعنی شعرها و خطابه‌های به‌جا مانده از آن دوران است و دیگری دلیل عقلی، یعنی تفکر در زیبایی‌های شعر و خطابه‌هاست. نویسندگان با بیان روایت‌هایی از کتاب‌های تاریخ اهتمام عرب را به مسائل زیبایی‌شناسی یادآور می‌شوند که خود مقدمه‌ای بر علم بلاغت به‌شمار می‌آمده است. همچنین، علت‌های پرداختن عرب به علم بلاغت را در اغراض دینی، تعلیمی و نقدی خلاصه می‌کنند و از قرآن کریم، مفسران، نحویان و لغویان، شاعران و نویسندگان و متکلمان را عواملی تأثیرگذار در شکل‌گیری و تطور علم بلاغت نام می‌برند، در ادامه، هر یک را به اجمال توضیح می‌دهند و مکتب کلامی و ادبی را در بلاغت بررسی می‌کنند.

نکته قابل توجه در این فصل این است که نویسندگان به خوبی ضرورت پرداختن به مباحث تاریخی را پیش از مباحث اصلی دریافته‌اند؛ چه آغاز کردن کتاب با ذکر این مقدمه در تاریخ و تطور بلاغت برای دانشجویان بسیار مفید است و آنان را برای ورود به مباحث اصلی آماده می‌سازد.

فصل دوم به بررسی معنی لغوی و اصطلاحی دانش‌واژه‌های فصاحت و بلاغت در لغت، قرآن، حدیث و آراء بزرگان عرب اختصاص یافته و، در پایان هر مبحث، ملاک‌های تقلیدی فصاحت کلمه و بلاغت کلام بیان شده است.

۱-۶-۳. باب دوم

نویسندگان با تقسیم کردن این باب به شش فصل مباحث علم معانی را آغاز می‌کنند. هر کدام از فصل‌ها خود در بردارنده دو تا سه مبحث از مباحث علم معانی است. در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام تنها به ذکر نام فصل‌ها اکتفا می‌کنیم: فصل اول: «المعانی»، فصل دوم: «الخبر»، فصل سوم: «الإنشاء»، فصل چهارم: «أحوال الجملة»، فصل پنجم: «الإيجاز والإطناب والمساواة»، فصل ششم: «تطبيقات

عامه». ملاحظه می‌شود که نویسندگان در این باب به مبحث تطبیق - که در نام کتاب بدان تصریح شده است - می‌پردازند.

۱-۶-۴. باب سوم

همان‌گونه که مطلوب در مقدمه ذکر می‌کند، این باب و باب چهارم را همکارش، کامل حسن البصیر، با توجه به روش کلی کتاب به رشته تحریر درآورده است. براساس تقسیم‌بندی سنتی علم بلاغت، این باب به علم بیان و مباحث آن اختصاص دارد که معمولاً در کتاب‌های بلاغی پس از علم معانی به آن پرداخته می‌شود. حسن البصیر این باب را به شش فصل تقسیم می‌کند که هر فصل بنا به روال رایج در این کتاب بین دو تا شش مبحث را شامل می‌شود. در یک نگاه کلی، فصل‌های این باب را می‌توان این‌گونه فهرست کرد: فصل اول: «البيان»، فصل دوم: «التشبيه»، فصل سوم: «الحقیقة والمجاز»، فصل چهارم: «المجاز بالاستعارة»، فصل پنجم: «الکناية والتعریض» و فصل ششم: «تطبیقات عامة» که به تمرین و آزمون کلی مباحث این باب اختصاص دارد.

۱-۶-۵. باب چهارم

این باب مباحث علم بدیع را در چهار فصل کلی بیان می‌کند؛ هرچند با ورق زدن کتاب و نگاه به فهرست مطالب این توهم پیش می‌آید که موضوعات این باب در پنج فصل ذکر شده است؛ چراکه به اشتباه در فهرست مطالب و نیز متن کتاب، به جای فصل چهارم، فصل پنجم ذکر شده است و وجود چنین اشتباهی در کتاب به دقت نظر نویسندگان خدشه وارد می‌کند: فصل اول: «البدیع»، فصل دوم: «المحسنات المعنویة»، فصل سوم: «المحسنات اللفظیة»، فصل چهارم: «تطبیقات عامة».

۱-۷. نگاهی به کمیت و کیفیت تمرین‌ها و شواهد

در بررسی تطبیقات این کتاب که متناسب با سه شاخه علم بلاغت سه فصل از مجموع فصل‌های این کتاب را دربرمی‌گیرد و هدف از آن تطبیق مطالب مطرح شده در هر باب بر متون نظم و نثر عربی است، نکاتی به چشم می‌خورد که می‌توان آن را این‌گونه خلاصه کرد:

- نویسندگان در این فصل‌ها ابتدا خود با ذکر نمونه‌هایی از شعر و نثر به تطبیق مسائل مطرح شده در باب بر متن‌های برگزیده شده می‌پردازند و، سپس، با آوردن نمونه‌هایی دیگر، این تطبیق را برعهده دانشجویان می‌گذارند و، بدین ترتیب، مثال و تمرین یک‌جا آورده می‌شود.

- نویسندگان در این فصل‌ها به ذکر نام شاعران و نویسندگان التزام داشته‌اند و هیچ نمونه‌ای را بدون ذکر نام شاعر یا نویسنده نکرده‌اند.

- بیشتر نمونه‌ها نظم است و در نثر هم بیش‌تر از قرآن کریم و گاه از حدیث مثال آورده شده است.

- نویسندگان در پاره‌ای موارد تنها به متن‌های کهن اکتفا نکرده و به ذکر نمونه‌هایی از شاعران معاصر خود پرداخته‌اند که نام برخی از این شاعران، مانند ابراهیم طوقان (مطلوب و بصیر: ۲۳۵)، علی محمود طه (همان: ۲۳۸)، نازک الملائکه (همان: ۲۳۸)، معروف الرصافی (همان: ۳۹۵) در لابه‌لای این تطبیقات قابل مشاهده است.

- می‌توان گفت همه نمونه‌های تطبیقات برگرفته از متون نظم و نثر عربی است و، برخلاف دیگر کتاب‌ها، مانند جواهر البلاغة، مثال‌های برساخته مؤلفان به چشم نمی‌خورد.

۱-۸. برخی ایرادهای محتوایی

باید گفت از آنجایی که مباحث اصلی این کتاب برگرفته از مباحث سنتی بلاغت عربی

و بازگویی مجدد آن است، اشکال‌های محتوایی چشم‌گیری در آن دیده نمی‌شود؛ هر چند نویسندگان گاه در ارائه مثال و یا معانی فرعی (در بحث انشاء طلبی) برای نوآوری مثال‌هایی می‌آورند که قابل بازنگری است، مانند نمونه‌های زیر:

- در بحث معانی فرعی فعل امر یکی از این معانی با عنوان «الوجوب» و با چنین توضیحی آمده است: «وذلك أن يكون أمراً وهو واجب» (همان: ۱۲۷)، حال آنکه معنی اصلی فعل امر طبق تعریف بلاغت‌پژوهان طلب انجام کاری است بر وجه الزام و استعلاء و همان‌طور که ملاحظه می‌شود این معنی با معنی اصلی همسان است.

- در بحث معانی فرعی استفهام پس از ذکر معنی تهویل مثالی از قرآن کریم ذکر می‌شود که تنها براساس قرائتی غیر مشهور قابل توجیه است، با آنکه در سایر کتاب‌ها مثال‌های واضح‌تری به چشم می‌خورد: ﴿وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ﴾ (الدخان: ۴۴) ﴿مطلوب و بصیر، ۲۰۱۱: ۱۳۵﴾. نویسندگان عبارت «من فرعون» را با قرائت ابن عباس به صورت «من فرعون؟» و به معنی تهویل دانسته‌اند.

۲. تحلیل بیرونی و خاستگاه اثر و مؤلفان آن:

در این بخش عوامل، زمینه‌ها، و خاستگاه علمی و فکری و اجتماعی اثر و مؤلفان، که فضای محیطی شکل‌گیری آن را پدید آورده‌اند، به اجمال بررسی می‌شود.

۲-۱. خاستگاه اثر

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، نویسندگان این کتاب معتقدند ادبیات در قرن‌های گذشته بیشتر به سمت تقلید گرایش داشته است تا نوآوری، و به همین روی، تمام کوشش‌های نویسندگان کتاب‌های بلاغی به نگارش شرح‌هایی برای کتاب‌های

بلاغی آن زمان، مانند کتاب تلخیص، معطوف شده است. مؤلفان تلاش‌های عصر حاضر را برای بازگرداندن روح نوآوری به بلاغت ثمربخش نمی‌دانند؛ چه این تلاش‌ها در جهت تکمیل دستاوردهای پیشینیان نبوده و به علت دانش سطحی صاحبان آن، تنها بر تغییر روش متمرکز شده است، بدون اینکه موضوعات بلاغی را بازنگری کند. نویسندگان تغییر روش‌ها را نیز برای دانشجویان زبان عربی چندان مفید نمی‌دانند و معتقدند دانشجویان بیشتر به اصولی نیازمندند که راه تشخیص بلاغت کلام را برایشان روشن سازد و به آنان در این دانش بصیرت کافی بدهد. از نظر ایشان اولین قدم در این راه شناخت اصولی است که بلاغت عربی بر پایه آن بنا شده است. نویسندگان با تکیه بر این اصول با روشی تحلیلی دست به تألیف این کتاب زده و کوشیده‌اند با ارائه تمرین‌های مختلف در آخر هر باب از طریق آشنا کردن دانشجویان با اسلوب‌های ادبی عربی، موجبات تقویت ذوق ادبی را در ایشان فراهم سازند. می‌توان گفت مطلوب پس از سال‌ها تحقیق و تألیف در زمینه بلاغت عربی احساس کرده است برای خارج کردن آن از مباحث تئوری صرف و برای کاربردی کردن آن به بازنگری کلی در مباحث بلاغت نیاز هست و بنابراین به تألیف این کتاب به عنوان یک کتاب درسی پرداخته است.

۲-۲. جایگاه اثر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نام أحمد مطلوب بر روی جلد کتاب و به عنوان یکی از نویسندگان به این کتاب وجهه مطلوبی نزد دانش‌پژوهان علوم بلاغت بخشیده است؛ چه مطلوب فردی است که سال‌های متمادی پیرامون مباحث زبان و ادبیات عربی، به‌ویژه بلاغت و نقد ادبی، به تحقیق و تألیف پرداخته و - همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد - تألیفات قابل قبولی مانند معجم المصطلحات البلاغیة را در این زمینه به رشته تحریر درآورده است. شاید این مسئله خود انگیزه‌ای است که برخی از استادان دانشگاه را به انتخاب این کتاب

درسی ماده بلاغت تشویق کرده است. پس از بررسی‌های صورت گرفته، مشاهده شد این کتاب در دو دانشگاه بغداد و بصره کتاب درسی در دانشکده‌ی تربیة اللبنة معرفی شده است (ر. ک: پایگاه‌های دانشگاه‌های بصره و بغداد). در جست‌وجوی انجام شده کتاب یا مقاله‌ای یافت نشد که به این کتاب ارجاع داده باشد.

در مقایسه‌ای اجمالی که بین این کتاب و برخی کتاب‌های بلاغی دیگر از جمله جواهر البلاغة، علوم البلاغة و البلاغة الواضحة صورت گرفت، نکات زیر مشاهده شد: - در مقایسه‌ی شکلی این کتاب‌ها با یکدیگر و حروف‌نگاری و انتخاب قلم مناسب برای نگارش، کتاب علوم البلاغة جایگاه بهتری دارد، همچنین، قلم جواهر البلاغة و البلاغة الواضحة برای اهداف آموزشی مناسب‌تر از البلاغة والتطبيق ارزیابی می‌شود.

- همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، کتاب البلاغة والتطبيق روشی در تقسیم‌بندی موضوعات علم معانی پیش گرفته است که تا حدودی متفاوت با روش کتاب‌هایی مانند جواهر البلاغة است؛ چه این کتاب‌ها موضوعاتی مانند تقدیم و تأخیر و ذکر و حذف را مکرراً به فراخور بحث در هر کدام از فصل‌های مربوط به مسند و مسند‌إلیه و متعلقات فعل ذکر می‌کند، اما این کتاب مطالب مربوط به این مباحث را تنها در یک فصل بررسی می‌کند. البته کتاب علوم البلاغة نیز در تقسیم‌بندی موضوعات علم معانی روشی مشابه کتاب البلاغة والتطبيق ارائه داده است.

- در زمینه‌ی تمرین‌ها در کتاب‌های جواهر البلاغة، علوم البلاغة و البلاغة الواضحة بلافاصله پس از اتمام هر مبحث از مباحث کتاب نمونه‌هایی در قالب تدریب و تطبیق و نموذج (به‌همراه پاسخ) و تمرین‌ها (بدون پاسخ) ذکر می‌شود که این دقیقاً همان چیزی است که در البلاغة والتطبيق نیز قابل مشاهده است. با این تفاوت که در این کتاب نویسندگان پس از ذکر مباحث هر باب از باب‌ها بلاغت (معانی، بیان، بدیع) به آوردن تطبیقات اقدام می‌کنند و، براین اساس، تنها سه فصل با عنوان تطبیقات در این کتاب دیده می‌شود که تعداد صفحات آن در مقایسه با حجم کل کتاب چندان چشم‌گیر نیست. در البلاغة والتطبيق نیز، برخلاف برخی کتاب‌ها مانند جواهر البلاغة و

البلاغة الواضحة، مثال‌های برساخته مؤلف قابل مشاهده نیست.

- در زمینه شواهد شعر و نثر موجود در این کتاب‌ها باید گفت که نویسندگان البلاغة والتطبيق در همه شواهد به ذکر نام گوینده ملتزم بوده‌اند، ولی در دیگر کتاب‌های بررسی شده چندان التزامی به ذکر نام گویندگان شواهد در همه ابیات و مقطوعات وجود ندارد.

- با توجه به انگیزه رایج تألیف کتاب‌های بلاغی، که شناخت زیبایی‌های بلاغی قرآن کریم است، استناد به آیات قرآن و احادیث شریف در همه این کتاب‌ها قابل قبول است.

- از نظر فهرست‌های موجود در این کتاب‌ها باید گفت این نوع فهرست‌نویسی در سایر کتاب‌ها از جمله البلاغة والتطبيق قابل مشاهده است.

۳. تحلیل درونی اثر

در این بخش، موضوعات اصلی و کانونی، مبانی فلسفی و روش‌شناختی، پیش‌فرض‌ها، نظریه مطرح در اثر، شیوه استدلال و منطق حاکم بر اثر، آثار و دستاوردهای نظریه مطرح، و نیز منابع و استنادات اثر معرفی و تحلیل می‌شود.

۳-۱. موضوع اصلی و کانونی اثر

همان‌گونه که نویسندگان خود در مقدمه ذکر می‌کنند، مباحث اصلی این کتاب پیرامون علم بلاغت با سه شاخه اصلی آن، معانی و بیان و بدیع، است که براساس روش رایج در دانشکده‌های ادبیات عراق این کتاب نیز مبحثی تاریخی درباره شکل‌گیری و گسترش علم بلاغت را دربرمی‌گیرد. بنا بر اعتقاد نویسندگان، مباحث اصلی کتاب در هر سه شاخه بلاغت مباحثی است که از گذشته تاکنون در این علم مطرح بوده است. به عبارت دیگر، ایشان اصول این کتاب را برگرفته از قدیم دانسته‌اند و معتقدند آشنایی کامل با اصول بلاغت نزد عرب اولین مرحله حرکت به سوی نوآوری است که هدف از بررسی علمی نیز همین نوآوری است. این در حالی است که

نویسندگان فقط تمرین‌های کتاب را از جمله نوآوری‌های این اثر می‌دانند.

۲-۳. مبانی فلسفی و روش‌شناختی اثر

از آنجایی که این کتاب اثری است با هدف تعلیم مباحث بلاغت قدیم به دانشجویان، نویسندگان در آن چندان از علوم جدید مانند زبان‌شناسی استفاده نکرده‌اند و تنها با تفاوتی جزئی نسبت به سایر کتاب‌های بلاغی، که در تقسیم‌بندی باب‌های علم معانی دیده می‌شود، تا حدودی سعی کرده‌اند روش تدریس مباحث این علم و سیر منطقی تسلسل آن بازنگری شود.

۳-۳. پیش‌فرض‌ها و نظریه مطرح

این کتاب براساس گفته خود مؤلفان کتابی است که برای آموزش و آماده‌سازی دانشجویان در ماده بلاغت عربی تألیف شده؛ بنابراین، کتابی است آموزشی. این موضوع باعث شده است که در این کتاب چندان مجال نظریه‌پردازی وجود نداشته باشد و جز در باب علم معانی که مطلوب قصد جایگزین‌سازی روش جدیدی در تقسیم‌بندی مباحث این علم ارائه می‌کند، در سایر باب‌ها و فصل‌ها نظریه‌پردازی خاصی مشاهده نشده است و می‌توان آن را بازگویی مجدد مسائل از پیش مطرح شده در علم بلاغت دانست.

مطلوب در باب دوم این کتاب که خود وی، نه همکارش، به رشته تحریر درآورده، پس از مباحث فصل اول که توضیح مختصری است درباره علم معانی و نظریه نظم و اشاره‌ای است به روش سکاکی در تقسیم‌بندی مطالب، ادامه مباحث این باب را در چهار فصل دیگر با رویکردی جدید در تقسیم‌بندی مباحث ذکر می‌کند. این چهار فصل عبارتند از: خبر، انشاء، احوال جمله (مانند تقدیم و تأخیر و ذکر و حذف و ...) و ایجاز و اطناب و مساوات. نیز فصل ششم این باب به تطبیقات عامه اختصاص دارد. مطلوب علت این نوع تقسیم‌بندی را، که تا حدودی با تقسیم‌بندی معمول

کتاب‌های بلاغی متفاوت است، این‌گونه بیان می‌کند که تقسیم‌بندی سکاکی رنگ و بوی تقسیم‌بندی‌های علم منطق را دارد؛ مثلاً او مبحث خبر را پیش از سایر مباحث مطرح می‌کند، حال آنکه بسیاری از موضوعاتی که در قسم خبر از آنها سخن به میان می‌آورد، منحصر به خبر نبوده و طلب را نیز دربرمی‌گیرد. همچنین، سکاکی بحث احوال اسناد را بر بحث دو رکن آن (مسند و مسندالیه) مقدم داشته است، حال آنکه اسناد در جمله متأخر از مسند و مسندالیه به‌وجود می‌آید. مطلوب این تقسیم‌بندی را موجب انفصال موضوعات علم معانی از یکدیگر و از بین رفتن رونق و سرزندگی آن و دور کردن آن از ملزومات فن ادبی که بر مبنای ذوق شکل می‌گیرد، می‌داند و لزوم تجدیدنظر را در آن متذکر می‌شود (مطلوب و بصیر، ۲۰۱۱: ۹۵).

مطلوب در توضیح تقسیم‌بندی سکاکی معتقد است وی مباحث علم معانی را براساس دو رکن جمله (مسند و مسندالیه) آورده و، براین اساس، مباحثی مانند تقدیم و تأخیر و ذکر و حذف و تعریف و تنکیر و... را یک‌بار در باب مسند و دیگر بار در باب مسندالیه آورده است، حال آنکه شایسته بود هر کدام از مباحث تقدیم و تأخیر و... را در فصلی جداگانه ذکر کند و مانع از انفصال آنها شود. همچنین، این مطلب را که همه مباحث مربوط به تقدیم و تأخیر و فصل و وصل و... تنها در باب خبر آورده شود، دارای دقت کافی نمی‌داند؛ چه این موضوعات جملات انشایی را نیز دربرمی‌گیرد (همان: ۹۶).

بدین ترتیب، مطلوب برای آنکه موضوعات علم معانی را با انسجام بیش‌تری عرضه کند، تقسیم‌بندی جدیدی ارائه می‌کند. او نخست مباحث علم معانی را در دو باب خبر و انشاء، و اقسام و اسالیب آن آورده، سپس، در بایی جداگانه از جمله و احوال آن بحث می‌کند و همه مباحث آن را مانند تقدیم و تأخیر و... در این باب می‌آورد. او معتقد است دو موضوع فصل و وصل و ایجاز، و اطناب و مساوات را باید در دو باب مجزا بررسی کرد (همان: ۹۹).

۳-۴. شیوه استدلال و منطق حاکم بر اثر

این کتاب به گفته خود نویسندگان در مقدمه، کاملاً پایبند به اصول بلاغت قدیم است؛ بنابراین می‌توان منطق حاکم بر آن را همان منطق حاکم بر دیگر کتاب‌های بلاغی سنتی دانست.

۳-۵. آثار و دستاوردهای نظریه مطرح

پیش‌تر با هدف نویسندگان از تألیف این اثر - یعنی هدف آموزشی - آشنا شدیم. در این بخش باید گفت که همین هدف آموزشی کتاب تا حدودی نظریه‌پردازی را با مشکل مواجه می‌سازد؛ چه آنکه در این دست کتاب‌ها مجال برای نظریه‌پردازی به مفهوم خاص آن وجود ندارد و تنها همان نوآوری در تقسیم و ارائه آموزه‌های معانی قابل ذکر است.

۳-۶. منابع و استنادات اثر

یکی از مواردی که باید در بررسی و نقد کتاب بدان توجه شود، فهرست کتاب‌ها و دیگر منابعی است که مؤلفان اثر در متن کتاب خود از مطالب آن استفاده کرده‌اند. با نگاهی اجمالی به فهرست منابع هر اثری، استفاده از کتاب‌ها و منابع اصلی و دسته اول از یک سو و استناد به منابع جدید و روزآمد را از سوی دیگر می‌توان یکی از امتیازات مثبت آن اثر در نظر گرفت.

با مراجعه به فهرست منابع کتاب البلاغة والتطبيق، با فهرستی چند صفحه‌ای شامل ۱۰۲ عنوان کتاب مواجه می‌شویم که تعداد زیادی از این کتاب‌ها را کتاب‌های سنتی و قدیم بلاغت عربی، مانند أسرار البلاغة، دلائل الإعجاز و... تشکیل می‌دهد. تعداد انگشت‌شماری از منابع نیز کتاب‌هایی است که در دوران معاصر در زمینه بلاغت به رشته تحریر درآمده است، از جمله کتاب‌های تألیفی و تحقیقی خود نویسنده (أحمد مطلوب) که این تعداد در مقایسه با کل فهرست چندان چشم‌گیر نیست. در این فهرست از رساله‌های دانشگاهی، مقالات پژوهشی جدید و منابع لاتین

اثری به چشم نمی‌خورد و شاید بتوان علت آن را در رویکرد آموزشی کتاب بر مبنای بلاغت کلاسیک عربی دانست. با این حال، این موضوع را می‌توان یکی از کمبودهای کتاب در نظر گرفت؛ چه استناد به منابع جدید و روزآمد یکی از ویژگی‌های مثبت اثر علمی به‌شمار می‌رود و بر میزان اعتبار آن می‌افزاید.

نویسندگان اصل امانت‌داری و دقت را در منبع‌دهی رعایت کرده‌اند و ارجاع‌ها و استنادها در این کتاب با اصول منبع‌دهی علمی مطابقت دارد؛ هرچند در برخی موارد ارجاعات درون‌متنی از شیوه کاملاً یکنواختی برخوردار نیست؛ مثلاً در باب‌های اولیه کتاب، زمانی که نویسنده قصد ارجاع پی‌درپی به یک کتاب در یک صفحه را دارد، در هر دو ارجاع نام کتاب را کاملاً ذکر می‌کند که نمونه آن در صفحات ۷۹، ۹۷، ۹۸ قابل مشاهده است. این در حالی است که در باب‌های آخر کتاب، همچون صفحه‌های ۲۵۰ و ۲۵۲، نویسنده در چنین مواردی از عبارت «المصدر السابق» استفاده می‌کند. شاید بتوان گفت تألیف کتاب از سوی دو نویسنده در به‌وجود آمدن چنین ناهمگونی‌هایی تأثیر مستقیم داشته است.

نویسندگان در این اثر در نقد و بررسی آراء و نظریات دیگران اصل بی‌طرفی را رعایت کرده‌اند؛ هرچند مطلوب در مورد تقسیم‌بندی علم معانی تقسیم سکاکی را کارآمد نمی‌دانند، اما، پس از بیان نظر خود، در صفحه ۹۷ از تلاش سکاکی در راستای اشاره به اینکه مباحث مطرح شده درباره مسندلیه دیگر ارکان جمله را نیز دربرمی‌گیرد، تقدیر می‌کند و در جای دیگر (همان: ۹۳) او را اولین شخصی می‌داند که مباحث بلاغت را به سه شاخه اصلی تقسیم کرده است. این موضوع حاکی از آن است که نویسنده در عین حال که درصدد بیان نظر محکمی در مورد مباحث بلاغی و بازنگری در تقسیمات آن است، در پی جانبداری مغرضانه و متعصبانه از شخص یا نظر خاصی نیست.

۳-۷. بررسی و تحلیل میزان هماهنگی مفاد اثر با اصول و مبانی مفروض آن

پیش‌تر گفته شد که مطلوب قصد دارد در این کتاب، به‌ویژه در باب علم معانی، تقسیم‌بندی جدیدی را مطرح کند و مباحث کتاب را براساس آن پیش ببرد. این تقسیم‌بندی، که در صفحه ۹۹ کتاب به آن اشاره شده، چنین است:

باب خبر، باب انشاء، باب جمله و احوال آن (شامل فصول: تقدیم و تأخیر، ذکر و حذف، تعریف و تنکیر، انواع قصر، اطلاق و تقيید)، باب فصل و وصل، باب ایجاز و اطناب و مساوات.

این در حالی است که با مراجعه اجمالی به فهرست مطالب کتاب با تقسیم‌بندی دیگری مواجه می‌شویم: فصل خبر، فصل انشاء، فصل جمله و احوال آن (شامل مباحث: تقدیم و تأخیر، فصل و وصل، انواع قصر)، فصل ایجاز و اطناب و مساوات. در یک مقایسه اجمالی ملاحظه می‌شود که تفاوتی جزئی بین دو تقسیم‌بندی وجود دارد و آن اینکه مبحث فصل و وصل، که در تقسیم اول یک باب مستقل را به خود اختصاص می‌دهد، در تقسیم دوم تنها به صورت مبحثی از مباحث باب جمله و احوال آن آمده است و در تقسیم دوم از مباحث ذکر و حذف و تعریف و تنکیر اثری دیده نمی‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که نویسنده نتوانسته است کاملاً هماهنگ با روش تقسیم‌بندی ارائه شده در اوایل کتاب پیش رود.

۳-۸. بررسی و تحلیل میزان ارتباط و چالش مفاد اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی

از آنجایی که یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های پیدایش علم بلاغت، توجه به مباحث زیبایی‌شناختی قرآن کریم بوده است، لذا نویسندگان کتاب‌های بلاغی همواره از گذشته تاکنون بیش‌ترین استنادها را به فراخور موضوع به آیات قرآنی اختصاص

داده‌اند. کتاب حاضر نیز از این قاعده مستثنی نیست و در جای‌جای موضوعات آن می‌توان آیات قرآن کریم را نخستین شواهد ارائه شده دانست. در مجموع نیز مطالبی که با مبانی و اصول اسلامی متناقض باشد، در کتاب به چشم نمی‌خورد.

نتیجه

- کیفیت شکلی و چایی اثر از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد چندان مناسب یک کتاب درسی نیست و شایسته بود که در انتخاب نوع حروف و صفحه‌آرایی بهتر عمل شود.
- رعایت قواعد عمومی ویرایش و نگارش در این اثر می‌توانست بهتر از این باشد، چه پیش‌تر به برخی از غلط‌های نگارشی - ویرایشی و عدم رعایت صحیح علائم سجاوندی در این کتاب اشاره شد؛ هر چند این اندازه نادرستی و کاستی در مقایسه با حجم کتاب قابل قبول است و، جز در مواردی معدود، به فهم درست مطلب لطمه‌ای وارد نمی‌کند.
- جامعیت صوری این اثر متوسط است؛ چراکه، به جز تمرین و آزمون فهرست مطالب و منابع و مقدمه، حاوی دیگر بخش‌های یک اثر فنی نیست و بهتر بود برای دسترسی آسان‌تر دانشجویان فهرستی موضوعی از اصطلاحات به‌کار رفته در کتاب، فهرستی از آیات قرآن کریم و نیز فهرستی الفبایی براساس قافیه از ابیات به‌کار رفته ارائه می‌شد.
- درباره ریشه مبانی فکری و روش‌شناختی این اثر باید گفت که همان مبانی به‌کار گرفته شده در سایر کتاب‌های سنتی این علم بر این اثر نیز حاکم است و تنها تفاوت روش‌شناختی را می‌توان در تقسیم‌بندی باب‌های علم معانی و بازنگری در آن دانست.
- میزان و چگونگی بهره‌گیری از ابزارهای لازم علمی، از جمله طرح بحث مقدماتی،

نتیجه و جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، جدول، تصویر و نمودار و نقشه، برای تفهیم موضوع در این اثر متوسط ارزیابی می‌شود، چه به‌جز تمرین و آزمون سایر موارد ذکر شده در این کتاب وجود ندارد. در بخش تمرین و آزمون نیز نویسندگان پس از مباحث مفصل ذکر شده در هر باب تنها در صفحاتی معدود که حجم آن نسبت به کل باب چندان چشم‌گیر نیست، به آوردن نمونه‌هایی از شعر و نثر عربی به عنوان تمرین اکتفا می‌کنند.

- محتوای اثر با عنوان و فهرست کاملاً منطبق است.
- در این اثر از منابع جدید و روزآمد استفاده نشده و بیشتر به منابع کهن و کلاسیک مراجعه شده است.
- در این اثر از دو دسته منبع و مأخذ استفاده شده است؛ منابع کلاسیک بلاغت در زبان عربی و برخی کتاب‌های تألیف شده در دوران معاصر از جمله سایر کتاب‌هایی که احمد مطلوب آنها را نگاشته است، جز اینکه تعداد این منابع جدید نسبت به تعداد منابع کلاسیک بسیار کم به‌نظر می‌رسد.
- نویسندگان مباحث را براساس اهمیت و جایگاه آن و با توجه به شیوه کتاب‌های بلاغی سنتی دسته‌بندی و ارائه می‌کنند و مبحثی خارج از موضوع مطرح نمی‌کنند و می‌کوشند محتوا و مطالب فصل‌ها از نظم و انسجام منطقی برخوردار باشد، اما اثری از شماره‌گذاری عنوان‌ها در این کتاب به چشم نمی‌خورد.
- نویسندگان امانت‌داری و دقت در منبع‌دهی را رعایت کرده‌اند و ارجاع‌ها و استنادها در این کتاب با اصول منبع‌دهی علمی مطابقت دارد.
- نویسندگان در این اثر در بررسی و نقدهای خود از آراء دیگران اصل بی‌طرفی را حفظ کرده‌اند.
- محتوای علمی و پژوهشی اثر نسبتاً با مبانی و پیش‌فرض‌های مورد قبول آن مطابق است؛ چه نویسندگان پس از ارائه تقسیم‌بندی جدید در اوایل کتاب، در

- ادامه، کاملاً نمی‌توانند مطابق با این تقسیم‌بندی پیش روند.
- در اثر حاضر هیچ‌گونه ناسازگاری با مبانی و اصول دینی و اسلامی مشاهده نشد و میزان استناد نویسندگان به آیات قرآنی در حد انتظار است.
 - این کتاب بیش‌تر از آنکه کتابی پژوهشی باشد، اثری است آموزشی که هدف اولیه آن آموزش اصول بلاغت سنتی عرب به دانشجویان برای آماده‌سازی آنان برای نقد بلاغی متون نظم و نثر عربی است و، بدین منظور، پس از شرح فنون بلاغی با آوردن برگزیده‌هایی از متون نظم و نثر عربی به دانشجو این امکان را می‌دهد که خود را محک زند و به‌تدریج موجبات تقویت ذوق بلاغی را در خود فراهم آورد؛ هرچند حجم تمرین‌های کتاب نسبت به اصل مطالب چندان زیاد نیست، اما این تمرین‌ها می‌تواند موجب افزایش قدرت دانشجویان در تشخیص آرایه‌های بلاغی متون عربی شود.

منابع

- الجارم، علي، و مصطفى أمين، (د. ت)، البلاغة الواضحة البيان؛ المعاني - البديع، القاهرة: دارالمعارف.
- ضيف، شوقي، (۱۹۶۵)، البلاغة تطور وتاريخ، القاهرة: دارالمعارف.
- القزويني، الخطيب، (۲۰۰۸)، الإيضاح في علوم البلاغة، المحقق: غريد الشيخ محمد و إيمان الشيخ محمد، بيروت: دارالكتاب العربي.
- المراغي، أحمد مصطفي، (۱۹۹۳)، علوم البلاغة؛ البيان والمعاني والبديع، بيروت: دار الكتب العلمية.
- مطلوب، أحمد و كامل حسن البصير، (۲۰۱۱)، البلاغة والتطبيق، بيروت: مطابع بيروت الحديثة.
- الهاشمي، أحمد، (۱۹۹۹)، جواهر البلاغة في المعاني والبيان والبديع، ضبط: يوسف الصميلي، بيروت: مكتبة العصرية.
- پایگاه دانشگاه بصره / <http://uobasrah.edu>
- پایگاه دانشگاه بغداد / coeduw.uobaghdad.edu.iq